

آرایه‌های معنوی در متون دعایی؛ مطالعه موردی توافقی و تقابلی در دعای صباح

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۸

زهرا جلیلی^۱

چکیده

دعا در اصطلاح متون دینی، خواندن مقام ربوبی و طلب نیاز از اوست. حال اگر دعا از زبان امام معصوم علیه السلام باشد، زیبایی لفظ و معنا هر دو را داراست و بهره انسان را از دعا دوچندان می‌کند. از جمله این ادعیه، دعای شریف صباح است؛ دعایی که دعاکننده را با روش راز و نیاز با معبود آشنا نموده و وی را به معارف بشری هر چه نزدیک‌تر می‌نماید. دعای صباح در قالب الفاظی مزین به آرایه‌هایی لفظی و معنوی است که از جمله آن توافقی و تقابلی است. این جستار سعی کرده به روش توصیفی - تحلیلی، دعای مذکور را از زاویه توافقی و تقابلی، مورد واکاوی قرار دهد. سؤالی که تحقیق حاضر تلاش می‌کند به آن پاسخ دهد، این است: توافقی و تقابلی موجود در دعای صباح در چه معانی به کار رفته است؟ و چگونه مقصود گوینده را با کیفیتی هر چه بیشتر روشن نموده است؟ توافقی و تقابلی دعای صباح در معانی مختلفی همچون حمد و ثنای الهی، درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله، طلب استغفار و مانند آن است. در این پژوهش، نخست، تعریفی اجمالی از توافقی و تقابلی آمده است. آنگاه توافقی و تقابلی موجود، به قدر وسع مقاله تبیین گردیده است. حاصل سخن، آن که تقارب بین حروف و کلمات و موسیقی آن و تناسب بین مصوت‌های کوتاه و بلند، و استفاده از آرایه معنوی توافقی و تقابلی، در خدمت معنای کلام و تأثیرگذاری هر چه بیشتر بر مخاطبان آن بوده است.

کلیدواژه‌ها: امام علی علیه السلام، آرایه معنوی، دعای صباح، توافقی، تقابلی.

۱. مقدمه

سخن و کلام همواره از مرتبت بسزایی برخوردار بوده است و لکن در دوران پیامبر خاتم از مرتبتی بالاتر بهره مند شد؛ زیرا به مشیت الهی معجزه پیامبر ﷺ گردید تا بیان اعجاز آمیز کلمات همراه با معانی شگفت انگیز آن، فصحا و بلغا را به هم آوردی طلبد. از رموز معجزه بودن آن، اسلوب خاص کتاب الهی است که نه منثور است و نه مسجع و منظوم. و در یک کلام، سخن بلیغ و شیوایی است که در اوج اقتضای حال بیان شده است. بی سبب نیست که پیامبر اعظم ﷺ آن را ثقل اکبر نامید. در مرتبت بعد از آن، کلام نبوی و علوی و امامان معصومین است. و در بین ائمه امارت کلام از آن ابوالائمہ علیه السلام است که کتاب وی، روش بلاغت نام یافت. لذا در صدر راز و نیاز با معبود، ادعیه قرآنی است و در مرتبه ای نازل تر، ادعیه مأثور از حضرت علی علیه السلام است که تالی تلو قرآن کریم است. و از جمله آن، دعای شریف صباح است. پیش از ورود به معرفی آن، مختصری در خصوص جایگاه دعا در متون اسلامی آورده می شود.

در معارف اسلامی تأکید بسیاری بر دعا و مناجات شده که از جمله آن می توان به کلام خدا در قرآن کریم اشاره داشت که فرمود:

﴿قُلْ لَا يَعْْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دَعَاؤُكُمْ﴾^۱

بگو اگر دعایتان نباشد، پروردگرم به شما ارجی ننهد.^۲

و یا حدیث نبوی که بالاترین عبادت امت اسلامی را بعد از قرائت قرآن، دعا می داند؛ آنجا که فرمود:

افضلُ عبادَةٍ أمتي بعدَ قراءةِ القرآنِ الدعاءُ.^۳

یا حدیث علوی که در آن خداوند به بندگان اذن دعا فرمود و خود را ضامن اجابت نمود و بنده را امر فرمود از او بخواهد تا عطا نماید و رحمت طلبد تا مهربانی کند:

واعلم ان الذی بیده خزائن السمواتِ والارضِ قد اذنَ لکَ فی الدعاءِ و تکفَلَ لکَ بالاجابةِ و أمرکَ ان تسألهُ لیعطیک و تسترحمه لیرحمک.^۴

۱. سوره فرقان، آیه ۷۷.

۲. ترجمه قرآن کریم، ص ۵۵۷.

۳. بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۰۰.

۴. ترجمه و شرح نهج البلاغه، ص ۹۲۳.

در خصوص اوقات دعا و زمان استجابت آن نیز روایات فراوانی آمده است؛ مانند استجابت در زمان قرائت قرآن و یا هنگام نزول باران و یا وقت اذان و یا هنگام گواهی دادن و مانند آن. از جمله آن احادیث، روایتی از امام معصوم علیه السلام در الکافی کلینی^۱ است که در آن بهترین زمان استجابت دعا، چهار زمان معرفی شده است که یکی از آن اوقات، ساعات اولیه صبح است.

متن حدیث چنین است:

يُستجاب الدعاء في اربعة مواطن: في الوتر، و بعد الفجر، و بعد الظهر، و بعد المغرب.

و در روایتی دیگر در همین کتاب^۲ از ابو جعفر علیه السلام آمده است که خداوند بندگان مؤمن بسیار دعاکننده در سحرگاهان تا طلوع آفتاب را دوست دارد. سپس ایشان مخاطبین کلام خود را توصیه به دعا در سحر تا طلوع آفتاب می‌نماید و علت آن را گشایش درهای آسمان و تقسیم ارزاق و زمان استجابت حاجات بزرگ تبیین می‌کند:

إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ كُلَّ عَبْدٍ دَعَا، فَعَلَيْكُمْ بِالْدَّعَاءِ فِي السَّحَرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، فَاتِّبَاعُ سَاعَةٍ تُفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ، وَتُقَسَّمُ فِيهَا الْأَرْزَاقُ، وَتُقَضَى فِيهَا الْحَوَائِجُ الْعِظَامُ.

در روایتی دیگر، در کتاب اقبال الاعمال ابن طاووس^۳ - که جلد اول آن مشتمل بر ادعیه ماه مبارک رمضان و شوال و جلد دوم آن اعمال دیگر ماه‌های سال است - نیز در باره زمان سحر و استجابت دعا آمده است که همه شب، هنگام سحرمنادی از جانب قاضی حاجات، ندا درمی‌دهد که معنای آن این است که آیا سائل و طالب و توبه‌کننده‌ای هست که مراد و مطلبش روا شود.

در ادامه روایت منادی طالب خیر را دعوت به آمدن به بارگاه الهی می‌کند و به جوینده شر پیام می‌دهد که از بدی دست بردارد. متن حدیث چنین است:

سحر كل ليلة ينادي منادٍ عن مالك قضاء الحاجات بما معناه: هل من سائلٍ؟ هل من طالبٍ؟ هل من مستغفِرٍ يا طالبَ الخير اقبل و يا طالبَ الشر اقصِر؟

۱. الکافی، ج ۲، ص ۴۷۷.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۷۸.

۳. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۵۶.

در کتاب مصباح المتهجد شیخ طوسی^۱ - که مشتمل بر ادعیه و زیارات و اعمال مستحب ایام سال است - ادعیه فراوانی برای ساعات اولیه صبح آمده که از جمله آن، دعایی است که به زمان سحر اختصاص دارد. در بخشی از آن، شخص داعی، پروردگار را مورد خطاب قرار داده و وی را اندوخته در روز سختی و همراه در شدت و دوست در نعمت و نهایت آمال خود معرفی می نماید و سپس در ادامه، پروردگار را پوشاننده زشتی و ایمنی بخش ترس و درگذرنده لغزش خود معرفی می کند و بعد از توصیفات این چنین، از خداوند می خواهد که از گناه او درگذرد و وی را ببخشد:

یا عدّتی فی کربتی، و یا صاحبی فی شدّتی، و یا ولیّی فی نعمتی، و یا غایتی فی رغبتی، انت الساتر عورتی، و المؤمن روعتی، و المّقیل عثرتی، فاغفر لی خطیئتی.

و بدون شک، ادعیه مروی از ائمه اطهار علیهم السلام هر کدام چراغ راهی است که طریق سلوک را به سالک می نمایاند و دعای صباح از جمله این ادعیه گران سنگ منسوب به ابوالائمہ علیه السلام است. بنا بر نقل علامه مجلسی در بحار الانوار^۲ امام علی علیه السلام این دعای عظیم القدر را به تعلیم حضرت رسول صلی الله علیه و آله کتابت فرمود. و اقدم نسخه های این دعا، بنا بر منبع مذکور، نسخه ای است به خط کوفی و نگارش امام علیه السلام که تاریخ آن به سال ۲۵ق، برمی گردد و یحیی بن قاسم علوی در سال ۷۳۴ از آن نسخه مزین به دست خط مبارک امام علی علیه السلام، نسخه خود را نگاشته است.

این دعای شریف، در برگزیده مفاهیم و معانی والایی است که موضوعات متعددی دارد؛ موضوعاتی همچون حمد و ثنای حق، تبیین قدرت او، تحمید و تمجید خداوند، درود و تحیت بر رسول خدا صلی الله علیه و آله، امید به بخشش حق، توصیف نفس و سرکشی مرکب او و پناه بردن به ساحت ربوبی و مانند آن.

این دعای گران قدر در قالب علوم چهارگانه علم بیان، یعنی تشبیه و استعاره و مجاز و کنایه و آرایه های معنوی علم بدیع چون مراعات النظیر، طباق و مقابله و آرایه های لفظی بدیع، مانند جناس، موازنه، سجع و مانند آن بیان می شود. در حقیقت، از نظر دال و مدلول هر دو زیباست. این گفتار تلاشی است ناچیز تا متن دعای صباح را از زاویه توافق و تقابل موجود در آن، به قدر وسع خویش واکاوی کند. در خصوص توافق و تقابل در جواهر البلاغه

۱. مصباح المتهجد، ج ۲، ص ۵۹۸.

۲. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۲۴۷.

آمده است که توافق و تناسب یعنی جمع بین دو مفهوم مثبت و یا چند مفهومی که متناسب‌اند و به آن مراعات النظیر هم می‌گویند؛ مانند: ﴿وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾^۱ و مقابله و تقابل نیز یعنی جمع بین دو معنایی که در مقابل هم باشند؛ مانند معنای تکثیر و تقلیل در کلام رسول الله ﷺ:

اتکم لتكثرون عند الفزع وتقلون عند الطمع.^۲

در مختصر المعانی تفتازانی^۳ اصطلاح توافق در مقابل تقابل آمده است. و در مقاله «بررسی آرایه‌های بلاغی در دعای صباح»^۴ اصطلاح موازنه و یا مماثله آمده است. نام‌گذاری هر چه باشد، در این گفتار، تقابل و توافق (تناسب و یا موازنه) دعای صباح به قدر وسع بررسی می‌شود.

درباره معنای تناسب - که با استفاده از مقاله «تناسب آیات و سوره» دائرة المعارف قرآن کریم صورت پذیرفته، می‌توان گفت که تناسب وحدت‌ساز است. تناسب نوعی مناسبت و هماهنگی است تا بین دو یا چند امر نظم و ترتیب برقرار سازد. این نظم و ترتیب نه تنها برآیند دو و یا چند امر موافق است، بلکه می‌تواند برآمده از دو امر متضاد باشد. این مناسبت‌ها ذهن انسان را نظم می‌دهد و با درک نظم، حقایقی از ارتباط جملات و معانی آن بر انسان آشکار می‌شود. باید خاطر نشان ساخت که ارتباط بین جملات یا برآمده از رابطه عام و خاص است و یا رابطه عقلی و حسی و خیالی دارد و یا رابطه‌ای ذهنی مانند علت و معلولی و سبب و مسببی بین ایشان حاکم است.

تناسب همچنین برآمده از آرایه‌های ادبی است که در شعر کاربرد بیشتری دارد و موارد تضاد و مقابله و تبادر و توجیه و افتنان را شامل می‌شود. این تناسب و هماهنگی برای درک آیات قرآنی و ادعیه و متونی مانند آن، از اهمیت خاصی برخوردار است و در ارتباطی تنگاتنگ با فهم معنا و درک لطایف متون است. سخن بزرگانی چون فخر رازی و سیوطی و محی الدین بن عربی گواه این مدعاست. محی الدین بن عربی فهم کامل آیات را در سایه سار تناسب بین آن‌ها دانسته است. سیوطی صاحب کتاب اسرار ترتیب قرآن نیز، علم تناسب بین آیات را موجب معنای

۱. جواهر البلاغه، ص ۳۸۴.

۲. همان، ص ۳۸۳.

۳. مختصر المعانی، ص ۲۶۷.

۴. «بررسی آرایه‌های بلاغی در دعای صباح»، ص ۱-۱۷.

آیات و فهم آن دانسته است. در میان مفسران، فخر رازی از جمله کسانی است که بیشترین اهتمام را به جانب تناسب آیات و سور داشته است. وی فصاحت و بلاغت قرآن را از نشانه‌های معجزه و نظم و ترتیب بین آیات را نیز از علائم آن دانسته و معتقد است که بسیاری از لطائف قرآنی از علم مناسبت بین آیات به دست می‌آید.

در خصوص اقسام تناسب و ارتباط آیات با استفاده از دانشنامه اسلامی می‌توان گفت که تناسب بین آیات بر دو قسم است: قسم اول، آن بخشی است که مناسبت بین کلمات یک آیه را به وجود می‌آورد که به آن وحدت سیاق می‌گویند. قسم دوم، تناسبی است که در میان آیات یک سوره قرار دارد؛ تناسبی که در آغاز و انجام سوره دیده می‌شود که بدان هدف و یا اهداف سوره می‌گویند.

این جستار، در توضیح بندهای مختلف دعا، از دو کتاب مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی و اضواء علی دعاء الصباح عزالدین بحر العلوم بهره می‌جوید. سؤالی که تحقیق تلاش دارد بدان پاسخ دهد، این است: توافق و تقابل دعای صباح در چه معانی آمده و چگونه مقصود گوینده را با کیفیتی هر چه بیشتر روشن نموده است؟ و فرضیه تحقیق این است که در دعای شریف صباح، انواع توافق و تقابل در معانی مورد نیاز بنده آمده و با آرایه‌های لفظی و معنوی برای بیان هر چه بهتر مقصود و تأثیرگذاری بر روی مخاطب مزین شده است. روش تحقیق، روشی کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی است.

۱-۱. پیشینه تحقیق

بر دعای صباح شروح متعددی نگاشته شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به شرح ملاحادی سبزواری و شرح شاگرد وی، میرزا عبدالرحیم و شرح منظوم مولی ابوالوفاء به نام مفتاح الفلاح و مصباح النجاح اشاره نمود. اسامی شروح مختلف دعای صباح در جلد سیزدهم کتاب الذریعه آقابزرگ تهرانی آمده است.^۱ البته در شروح مذکور درباره نکات بدیعی، کمتر سخن به میان آمده است. در حوزه مقالات موجود درباره موضوع پژوهش، می‌توان به مقاله «بررسی آرایه‌های بلاغی در دعای صباح»، اثر دکتر اسحاق طغیانی و همکار اشاره کرد که آن نیز محسنات بلاغی بند پایانی دعا، یعنی ذکر سجده را مورد توجه قرار داده است. نیز به مقاله «شرح دعای صباح امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)»، تألیف حسن خراسانی انتشار

۱. (به نقل از پایگاه اطلاع رسانی حوزه).

یافته در فضای مجازی اشاره نمود که این دعای شریف را از نظر علوم مختلف بلاغی، عرفانی و صرف و نحوی مورد اهتمام قرار داده است. در مجموع، مقاله‌ای که به صورت خاص به موضوع تحقیق پیش رو، یعنی توفیق و تقابل بپردازد، یافت نگردید.

۲. تناسب در آیات

۱-۲. توفیق و تقابل در دعای صبح

دعای صبح، این مناجات ماثور از امام علی علیه السلام بندهای متفاوتی را دارد که هر کدام، مانند آیات، اغراضی متفاوت دارند؛ ولی در مجموع، یک هدف را دنبال می‌کنند و آن هم هدف کلی تمام ادعیه، یعنی قرب الی الله است. بخش‌های آمده در این دعا، حمد و ثنای حق، صبر و نصرت الهی، درخواست عفو و بخشش عبد، قبول معبود و اهداف والای دیگر است. در این گفتار، به قدر وسع خویش، به تبیین این اهداف پرداخته می‌شود.

۲-۲. حمد و ثنای حق

بند حمد و ثنای الهی در دعای صبح، تبیینی بر آغازین نکته از ادب دعا و موجب استجاب آن است؛ یعنی شروع دعا با تحمید و تمجید حق سبحانه و تعالی است که در کلام امام علی علیه السلام بدان اشاره شده است:

وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ فِي كِتَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: أَنَّ الْمَسْأَلَةَ بَعْدَ الْمُدْحَةِ فَإِذَا دَعَوْتَ فَجِدْهُ. قَالَ قُلْتُ: كَيْفَ تُجِدْهُ؟ قَالَ تَقُولُ: يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يَا مَنْ هُوَ بِالنَّظَرِ الْأَعْلَى، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ.^۱

تحمید و تمجید دعای صبح مشتمل بر چهار بند است که اولین آن با خطاب اللهم شروع می‌شود:

الف. اللهم يا من دلغ لسان الصباح بنطق تبلججه، وسرح قطع الليل المظلم بغياهب تلجلجه، واتقن صنع الفلك الدوار في مقادير تبرجه، وشعشع ضياء الشمس بنور تأججه.

در این بند، حمد و ثنای الهی، با تناسب بین کلمات و موسیقی آن، تبیین شده است.

۱. عدة الداعي و نجاح الساعي، ج ۱، ص ۱۶۱.

این تناسب از راه تقابل، مترادف و تقارب بین کلمات و هماهنگی بین موسیقی حروف و کلمات و مصوت‌های کوتاه (ء، یو، و بلند(آ، او، ای) به وجود آمده تا معنای حمد و ثنا را با بهترین بیان ابراز نماید و تأثیری هر چه بیشتر داشته باشد. با تقابل مفاهیم الصباح واللیل و تبلج (اشراق)^۱ و تلجلج (بالکنت سخن گفتن) و مترادف بین دلج و سرح، و تقارب بین اتقن و شعشع (امتداد الضوء) و بین تبرج (اظهار الزینة) و تأجج (شعله‌ور شدن) آغاز می‌شود که بیان خلقت شب و روز و اعتراف به قدرت و عظمت الهی است؛ خدایی که به قدرت قاهره خود، صبح روشن را با زبان گویای نور بیرون آورد و شب تاریک را با پاره‌های سیاه ظلمت فرستاد. و استواری و زیبایی کشتی آسمان را در کنار تشعشع فروزان نور خورشید قرار داد تا معنای استواری را هر چه بیشتر نمایان سازد.

امام علی علیه السلام معنای حمد را با تقابل بین شب و روز تقویت نمود. واژه دلج (بیرون آوردن زبان) را برای آوردن روشنایی روز، و کلمه سرح (به چرا فرستادن، رهاکردن) را برای تاریکی شب آورد تا تدریج درآمدن را نشان دهد. و شب را با وصف مظلم قرین ساخت تا به دیده نشدن این ارسال و فرستادن اشاره نماید.

ب. یا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ، وَ تَنَزَّهَ عَنِ مِجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ، وَ جَلَّ عَنِ مَلَائِمَةِ كَيْفِيَاتِهِ.

این مقطع از دعا، تنزیه و تسبیح و تجلیل ذات اقدس الهی به صفاتی است که دلالت بر توحید و یگانگی دارد؛ خدایی که منزّه از مشابّهت با جنس مخلوقات و اجلّ از مناسبت با کیفیت‌های عالم است؛ خدایی که خود، گواه خود است. به قول شاعر، آفتاب آمد دلیل آفتاب. در این مقطع تنزیهی، دو کلمه مترادف مجانسه و ملائمة برای رساندن تقابل دو معنای کمی و کیفی و ردّ آن از خداوند است. در حقیقت، تأکید و تقویت ابتدای مقطع است که اشاره به وحدانیت خداوند می‌کند. منظور آن است که صفات الهی اجلّ از صفات مخلوقات است؛ یعنی اسماء و صفات الهی خاص حق سبحانه و تعالی و تغییرناپذیر است؛ در حالی که صفات موجودات، زیادت و نقصان و تغییر و تحول می‌پذیرد. تناسب در دلّ و جلّ، همراه با هماهنگی در موسیقی کلمات، ژرفای معنای تنزیه و تسبیح را هر چه بیشتر می‌نمایاند.

ج. یا مَنْ قَرَّبَ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ، وَ بَعَدَ عَنِ لِحْظَاتِ الْعِیُونِ، وَ عَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ یَكُونَ.

۱. اضواء علی دعاء الصباح، ص ۶۹.

در این بند از دعا، قرب و بعد حق، با دو عبارت متقابل خطرات الظنون (دیده باطن) و لحظات العیون (دیده ظاهر) آمده که نشان‌گر یک هدف واحد است و آن قرب معنوی و علم حضوری به پروردگار است. این معنا با علم نامحدود الهی به اشیا، قبل از ایجاد آن، تأکید شده است. قرآن کریم در خصوص این قرابت مطلب شایان توجهی دارد و آن را نزدیک‌تراز رگ گردن می‌داند:

﴿وَنَحْنُ اقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾^۱

امام علی علیه السلام نیز در پاسخ به سؤال ذعلب یمانی درباره کیفیت مشاهده پروردگار فرمود:

لا تراه العیون بمشاهدة العیان، ولكن تدرکه القلوب بحقائق الايمان؛^۲

دیده‌ها او را نمی‌بیند، ولی قلب‌ها با حقیقت ایمان وی را درک می‌کند.

د. یا مَنْ ارْقَدْنِي فِي مَهَادِ امْنِهِ وَ امانه، وَ ايقظني الى ما منحنى به من مننه و احسانه، و كَفَّ اكْفَ السوء عني بیده و سلطانه.

در این مقطع از دعا، دو معنای متقابل و دو نعمت به خواب بردن و بیدار نمودن آمده است و هر کدام با لوازم و تناسباتی که بدان نیاز دارد، همراه شده است. رقاد به آرامش و امن نیاز دارد که با آن همراه شده و بیداری به احسان و نعمت نیازمند است که با آن مصاحب شده است. در قرآن کریم نیز در آیه‌ای، خواب شب و جستجوی برای معاش در روز، از نشانه‌های خداوند برای صاحبان گوش شنوا به شمار آمده است:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُسْمَعُونَ﴾^۳

و معنای ارقاد و ایقظ با دفع ضرر از بنده در کَفَّ اكْفَ السوء ... تقویت می‌شود. دو کلمه متقابل ارقدنی و ايقظنی، همراه با دو مترادف مننه و احسانه معنا را تقویت کرده است. و تناسب بین فعل کَفَّ و اكْفَ (دست‌ها) همراه با دو مترادف یده و سلطانه و هماهنگی موسیقایی مصوت‌ها و صامت‌ها نیز، برزیبایی بیان و تأثیر آن افزوده است. لذا تحمید در این بند بر چهار محور استوار است: خلق صبح و شام، آفرینش بیداری و خواب، تنزیه پروردگار و قرب الهی.

۱. سوره ق، آیه ۱۶.

۲. نهج البلاغه، خ ۱۹۸.

۳. سوره روم، آیه ۲۳.

۲-۳. درود و تحیت بر دلیل و رسول حق

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى الدَّلِيلِ الْيَكِّ فِي اللَّيْلِ الْإِلِيلِ، وَ الْمَاسِكِ مِنَ اسْبَابِكَ بِجَبَلِ الشَّرَفِ
الاطُولِ، وَ النَّاصِعِ الْحَسْبِ فِي ذُرْوَةِ الْكَاهِلِ الْإِعْبَلِ، وَ الثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلَى زَحَالِفِهَا فِي الزَّمَنِ
الْأَوَّلِ، وَ عَلَى آلِهِ الْإِخْيَارِ الْمِصْطَفِينَ الْإِبْرَارِ.

این بند، تبیین دومین نکته از رمز دعای مستجاب است؛ یعنی درود و تحیت بر پیامبر ﷺ و آل طاهرین او که در معارف اسلامی نیز پیدان توصیه شده است؛ از جمله آن، می توان به فرموده امام صادق علیه السلام اشاره نمود که بر آغاز دعا با درود و سلام بر پیامبر ﷺ امر می کند؛ چون صلوات بر ایشان، دعای مستجاب است و خداوند بر آن نیست تا برخی از دعا را قبول و بعضی دیگر را رد کند:

إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ مَقْبُولَةٌ، وَ لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَقْبَلْ بَعْضًا وَ يَرُدَّ بَعْضًا.^۱

در این بند، درود و تحیت الهی بر حضرت ختمی مرتبت ﷺ با صفات آن حضرت، یعنی دلیل و ماسک و ناصع الحسب و ثابت القدم و قیودات آن همراه شده است. بزرگی دلیل با قید زمان تاریک ترین شب (لیل الالیل) تقویت شده و اشاره قرآنی ﴿وَسِرَاجًا مُنِيرًا﴾^۲ نیز به همین مطلب اشارت دارد. و عظمت ماسک با قید سبب اعلاهی هدایت، یعنی قرآن (جبل الشرف الاطول) تأکید شده است. روشنی و پاکی حسب آن حضرت، با قید پاک ترین و اصیل ترین مردان عالم (ذروة الكاهل الاعبل) تقویت شده است. در آخر، اوصاف حضرت نبوی ﷺ با وصف ثبات قدم و استواری ایشان همراه با قید دوری از لغزش های جاهلی (علی زحالیفها فی الزمن الاول) خاتمه یافته است. علاوه بر نکات مذکور، هماهنگی موسیقایی بین مقاطع آمده؛ مانند لیل، اطول، اعبل، اول، تأثیر سخن را دوچندان نموده است. و سرانجام، معنای درود (با ارشاد حضرت نبوی ﷺ به ندادن صلاة بتراء)^۳ با سخن و علی آله همراه شده و با مصاحبت اوصاف اختیار و مصطفین و ابرار به کمال معنایی خود رسیده است.

۲-۴. دعا و خواست عبد

بعد از حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر ﷺ و آل او، گام سوم دعا آغاز می شود و آن، بیان

۱. اضواء علی دعاء الصبح، ص ۱۳۷.

۲. سوره احزاب، آیه ۴۶.

۳. اضواء علی دعاء الصبح، ص ۱۴۷.

مطالب و خواست بنده در آغاز صبح، از پیشگاه معبود است که پنج درخواست ضروری گشایش، پوشاندن، غرس کردن، جاری ساختن و تأدیب نمودن را دربردارد:

وَافْتَحِ اللَّهُمَّ لَنَا مَصَارِيحَ الصَّبَاحِ بِمِفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَالْفَلَاحِ، وَالْبَسْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خَلْقِ الْهُدَايَةِ وَالصَّلَاحِ، وَاغْرِسِ اللَّهُمَّ بِعَظَمَتِكَ فِي شَرْبِ جَنَانِي يَنَابِيْعَ الْخَشْوَعِ، وَاجْرِ اللَّهُمَّ لِهَيْبَتِكَ مِنْ أَمَاقِي زَفَرَاتِ الدَّمْوَعِ، وَادِّبِ اللَّهُمَّ نَزَقَ الْخَرَقِ مَنِّي بِأُزْمَةِ الْقَنْوَعِ.

این بخش از دعا، در حقیقت ارائه نمونه کاملی از اولین نیازهای عبد از معبود در آغازین لحظات روز است که متناسب با ابتدای صبح، با فتح و مفاتیح آمده است؛ یعنی گشودن درهای صبح با کلید رحمت و فلاح، و پوشاندن برترین لباس‌های هدایت و صلاح، و غرس (به وجود آوردن) چشمه‌های خشوع در آبشخور قلب با درک عظمت حق، و جاری ساختن اشک از دیدگان با درک هیبت الهی، و تأدیب نمودن سرکشی و جهالت نفس با مهارهای قناعت است که با افعال متناسب فتح و الباس و غرس و جری و تأدیب، تبیین شده و با کلمات متقارب هدایت و صلاح و خشوع و قنوع، و جمع‌های مکسر مصاریع، مفاتیح، خلع، ینابیع، آماق تکمیل می‌گردد. وحدت موسیقایی مقاطع دعا، مانند فلاح و صلاح، خشوع و دموع و قنوع نیز بر تأثیرگذاری معنوی هر چه بیشتر دعا مؤثر است. همچنین هر پنج خواسته بر لفظ جلاله مقدم شده تا معنا را تقویت کند و واژه لنا، به ادب دیگر دعا و رمز اجابت آن، - که دعا برای جمع است - اشاره می‌کند. همچنین گشایش و پوشاندن و غرس و جاری ساختن و تأدیب کار معبود است. لذا از وی خواسته شده، و درک عظمت و فهم هیبت الهی و مهار قناعت نیز وظیفه بنده است.

۲-۵. تحمید و تمجید حق به سبب الطاف او

پس از طلب و نیاز عبد در مقطع پیشین، در این بند به تبیین حرکت در راه روشن الهی و محاربه با هوای نفس و شیطان می‌پردازد:

الهی ان لَمْ تَبْتَدِئِنِي الرَّحْمَةُ مِنْكَ بِحَسَنِ التَّوْفِيقِ فَهِنَّ السَّالِكُ بِي الْيَكِّ فِي وَاضِحِ الطَّرِيقِ، وَإِنْ أَسْلَمْتَنِي أَنَا تُكِّ لِقَائِدِ الْاِمْلِ وَالْمُنَى فَمَنْ الْمَقِيلُ عِثْرَاتِي مِنْ كِبْوَاةِ الْهُوَى، وَإِنْ خَدَلْتَنِي نَصْرُكَ عِنْدَ مَحَارِبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ فَقَدْ وَكَلْتَنِي خَدْلَانُكَ إِلَى حَيْثُ النَّصَبِ وَالْحَرْمَانِ.

در این بند از دعا، سخن از توفیق الهی و عمل بنده است که با قید شرط، تقویت می‌شود که اگر آغاز صبح سالک با رحمت و توفیق الهی همراه نباشد، چه کسی وی را به راه نورانی شرع

رهنمون می‌شود؟! و اگر صبر الهی (تاخیر عقوبت او)، بنده را تسلیم قیادت امل و آرزو کند، چه کسی از لغزش‌های او درمی‌گذرد؟! در ادامه، از عاقبت خود در مبارزه با دو دشمن غدار یکی نفس و دیگری شیطان سخن می‌گوید که آگریاری خدا با بنده در نزاع و جنگ با هوای نفس و شیطان نباشد، خذلان (عدم یاری) او، بنده را به سمت سختی و محرومیت از لطف او می‌کشاند. در حقیقت، جمله اخیر، کامل‌کننده و تقویت‌کننده معنای دو جمله ابتدایی است که برای تأکید بیشتر با اسلوب استفهام هم آمده است. همچنین واژه‌های رحمت و حسن توفیق و واضح الطريق، امل و منی، عثرات و کبوة، و نصب و حرمان، خذلنی و وکلنی، تناسب‌ها و ترادف‌های به کار رفته در این بند است و کلمات نصر و خذلان، تقابلی است که معنای نصرت الهی را هر چه بیشتر تقویت می‌کند. تناسب و تقابل موجود در این بند، همراه با هماهنگی در موسیقی الفاظ و کلمات، در جهت تقویت معنایی هر چه بیشتر است.

۲-۶. گناهان و امید بخشش حق

در این بند، علت آمدن بنده گناه‌کار و دور مانده از وصال حق تبیین می‌گردد:

الهی اترانی ما اتيك الآ من حيث الآمال، ام علقثُ بأطرافِ حبالک الآ حينَ باعدتني
ذنوبی عن دارِ الوصالِ.

این بند با استفهام انکاری اترانی (آیا مرا گمان می‌کنی) آغاز گردیده و سپس دو مفهوم متناسب اتیت و علقث با مفهوم مقابل آن، یعنی مباعده و دوری از وصال آمده است. عامل اتیان به سوی حق، اشتغال به آمال و آرزو و عدم توجه به حق سبحانه معرفی شده است که با حرف استثنا «الآ» محصور گردیده تا بر معنای آمدن تأکید بیشتری باشد. عامل تمسک و چنگ زدن به حبل الهی و راه‌های وصل نیز دوری بنده از تقرب حق به جهت گناهان معرفی شده که آن نیز با حرف استثنا «الآ» محصور گردیده تا تأکید بیشتری بر معنا باشد. همچنین هماهنگی در موسیقی حروف و کلمات و مصوت‌های کوتاه و بلند، ژرفای معنای آمدن به درگاه حق و چنگ زدن به راه‌های ارتباطی با او (دعا و تضرع، عبادت، گریه، توجه به اوامر و نواهی و موارد دیگر) و تأثیرگذاری آن را هر چه بیشتر می‌کند.

۲-۷. نفس و مرکب سرکش آن

بعد از تبیین علت دور شدن از قرب الهی به جهت هوای نفس و ارتکاب گناهان، در این مقطع سخن از نفس و هلاکت آن به جهت جرأت بر سید و مولای خود آمده است:

فَبئْسَ المَطِيئَةُ الَّتِي امْتَطَّتْ نَفْسِي مِنْ هَوَاهَا، فَوَاهَا لَهَا لَمَّا سَوَّلَتْ لَهَا ظَنُونُهَا وَمُنَاهَا، وَتَبَّأً
لَهَا لِحِرَاتِهَا عَلَى سَيِّدِهَا وَمَوْلَاهَا.

در این بند سخن از بدی مرکب هوای نفس است که با آوردن فعل بئس بر معنای آن تأکید شده است. مقطع واه‌ا تحسرو افسوس گوینده را از تسویل و جلوه‌گری آمال و امیال نفسانی بیان نموده و عبارت تبَّأ حکم دعاکننده را، بر هلاکت این نفس شریرو متمرّد صادر کرده است. الفاظ متقارب در معنا و هماهنگی در موسیقی و مصوت‌های کوتاه و بلند مانند واه‌ا لها و تبَّأ لها، ظنونها و مناه‌ا، و سیدها و مولاها نیز، بر معانی تسویل و جرأت نفس افزوده است.

۸-۲. چنگ زدن به دامان حق

به دنبال تبیین هوای نفس و جلوه‌گری آن در سطور پیشین، این مقطع نشان‌گر انکسار و التجای عبد است:

الهي قرعتُ بابَ رحمتِكَ بيدي رجائي، وَهَرَبْتُ اليكَ لاجئاً مِنْ فَرَطِ أهوائي، وَعَلَّقْتُ
بِأَطْرَافِ جِبَالِكَ أَنامِلَ وَلائِي.

در این قطعه، کلمات متقارب قرعت و هربت و علقت به معانی دق الباب کردن و گریختن و پناه بردن به او و چنگ زدن به راه‌های ارتباط با خدا آمده است که با ترکیب‌هایی مانند باب رحمتک و الیک لاجئاً و باطراف حبالک، بر زدن در رحمت الهی با دست امید و گریختن و پناه بردن به او از زیادی هوای نفس و درآویختن به راه‌های ارتباط با حق با انگشتان ولایت بنده تأکید شده است (در این بند راه جدیدی برای جلب رضای الهی بیان شده و آن هم اشاره به ولایت محمد و آل محمد ﷺ است). آوردن کلمات متناسب و موسیقی الفاظ و هماهنگی بین صامت‌ها و مصوت‌ها نیز معنای کلام را دوچندان نموده است.

۹-۲. دعا و خواست دیگر عبد

در این بخش از دعا، بعد از پناهندگی و درآویختن به دامان ولایت، این بار سخن از توبه و طلب عفو است:

فاصْفَحَ اللهم عَمَّا كُنْتُ اجْرِمْتُهُ مِنْ زَلَلِي وَخَطَايِي، وَأَقْلِنِي مِنْ صَرَعَةِ زِدَائِي، فَإِنَّكَ
سَيِّدِي وَمَوْلَايِي وَمَعْتَمِدِي وَرَجَائِي، وَأَنْتَ غَايَةُ مَطْلُوبِي وَمَنْأَى فِي مَنْقَلَبِي وَمَثْوَايِي.

این بند از دعای صباح، درخواست عفو و بخشش الهی است که مقدم بر منادای اللهم شده تا تأکید بیشتری بر توبه باشد. با کلماتی مترادف و هم‌آهنگ نیز همراه گردیده تا بر

معنای عفو و بخشش بیافزاید. مترادف بین الفاظی مانند صَفْح و اِقَالَه، زَلل و خَطَا و صِرْعَة رداء، و سید و مولّا نیز بر معنای توبه تأکید بیشتری نموده است؛ همچنان که مترادف بین الفاظ معتمد و رجا، و مطلوب و منا، و منقلب و مثوا، نیز بر معنای عفو افزوده است. خطاً در این بند به معنای ذنب است؛ چنانچه قرآن کریم می‌فرماید:

﴿قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ﴾^۱

این بند با آمدن علت بخشش الهی تقویت شده است. علت عفو، سروری و آقایی حق و مورد اعتماد و امید بودن وی و غایت مطلوب و آرزو بودن او در آخرت و دنیا، است.

۱۰-۲. پذیرش حق

بعد از طلب عفو و بخشش، در این مقطع پذیرش حق و عدم ردّ او با سه استفهام انکاری تبیین می‌شود:

الهی کَیْفَ تَطْرُدُ مَسْکِینَا التَّجَا إِلَیْکَ مِنَ الذُّنُوبِ هَارِباً، ام کَیْفَ تُخَيِّبُ مُسْتَرْتِدّاً قَصْدَ
إِلَى جَنَابِکَ سَاعِیاً، ام کَیْفَ تَرُدُّ ظَمَانَ وَرَدّاً إِلَى حِیَاضِکَ شَارِباً.

این قطعه از دعا حاکی از قبول حق است که با سه استفهام انکاری بر معنای آن تأکید شده است و با کلماتی متقارب و متناسب بر آن تأکید شده و با هماهنگی بین صامت‌ها و مصوت‌های کوتاه و بلند همراه شده است تا بر معنای قبول حق بیافزاید. تقارب و تناسب بین تطرد و تخیب و تردّ، و بین مسکیناً و مسترشدّاً و ظمّان (بسیار تشنه)، و بین التجأ و قصد و ورد، و بین الیک و الی جنابک (تقرب به تو) و الی حیاضک، و بین هارباً و ساعیاً و شارباً، ورود بنده مسکین هارب و مسترشد ساعی و ظمّان شارب، به بنده‌ای اشاره دارد که در جهت طلب خود گام برمی‌دارد؛ بنده مسکینی که از گناهان خود فرار کرده و به رحمت الهی پناه آورده است؛ طالب رشدی که برای رشد تلاش نموده و تشنه رحمت الهی که به دنبال آن، وارد بر آبشخور رحمت شده است.

۱۱-۲. علل پذیرش حق

در این بند - که در ادامه بند پیشین است - علل سه گانه پذیرش حق، تبیین می‌گردد:

کَلَّا وَ حِیَاضُکَ مَرْتَعَةً فِی ضَنْکِ الْمُخُولِ، وَ بَابِکَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ وَ الْوَعُولِ، وَ اَنْتَ غَايَةُ
الْمَسْئُولِ وَ نِهَایَةُ الْمَأْمُولِ.

۱. سوره یوسف، آیه ۹۷.

در این بخش از دعا، عدم پذیرش ورد الهی، با حرف ردع و تأکید نفی کلاً تبیین شده است و با کلمات متناسب و متقارب بر معنا تأکید گردیده و با هماهنگی موسیقایی بین حروف و کلمات، بر تأثیر کلام و معنای آن افزوده شده است. تقارب بین حیاضک و بابک، و بین مترعه و مفتوح، و ترادف بین طلب و غول (دخول بدون حاجب)، و بین غایة المسؤل و نهاية المأمول، به این معنا که نه یا الهی تو هرگز بنده خود را طرد و رد نخواهی کرد. و علل آن، لبریزی چشمه‌های رحمت، بازبودن باب طلب و نهایت مقصود و آرزو بودن توسل. معانی مترعه و مفتوح، با قیودی مانند فی ضنک المحول (در شدت خشک سالی) و للطلب والوغول (دخول بدون اذن) تأکید گردیده و با کلام فصل الخطاب انت غایة المسؤل و نهاية المأمول، تو غایت و نهایت خواست و آرزویی، دعا خاتمه پذیرفته است.

۱۲-۲. بیان تعهدات عبد

این بند از دعا، بیان تعهداتی است که بنده بدان ملزم می‌شود:

الهی هذِهِ أُمَّةٌ نَفْسِي عَقَلْتُهَا بِعَقَالِ مَشِيَّتِكَ، وَ هَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي دَرَأْتُهَا بِعَفْوِكَ وَ رَحْمَتِكَ، وَ هَذِهِ أَهْوَائِي الْمُضَلَّةُ وَ كَلَّتْهَا إِلَى جَنَابِ لَطْفِكَ وَ رَأْفَتِكَ.

در این بخش از دعا، سخن از تعهدات بنده است. بستن مهار نفس با پابند مشیت خدا، و افکندن بار سنگین گناه با بخشش و رحمت حق، و سپردن هواهای گمراه کننده (وساوس شیطانی) به لطف و مهربانی او. این بستن و افکندن و سپردن، با عبارات متقارب از مة نفسی و أعباء ذنوبی و أهوائی المضلة (زمام نفس و سنگینی گناه و هوس‌های گمراه کننده) تقویت شده و با تقارب بین عفوک و رحمتک، و لطفک و رأفتک، و تقابل بین عقلتها و درأتها و کلتها تأکید گردیده است. معنای عقال و بستن مهار نفس با قید بند مشیت و مفهوم درأ و افکندن ذنوب با قید عفوو رحمت و معنای وکول و واگذاری نفس، با قید لطف و رأفت الهی بر شیوایی سخن و معنای آن تأکیدی هر چه بیشتر نموده است. هماهنگی موسیقایی بین حروف و کلمات و مصوت‌های کوتاه و بلند بر تقویت معنایی کلام و زیبایی آن هر چه بیشتر افزوده است. همچنین لطف و رأفت الهی با وصف جناب مقید شده تا تعظیم و تکریمی بر آن باشد.

۱۳-۲. دعا و خواست صبحگاهی دیگر عبد

این مقطع، سخن از آخرین خواست‌های دنیوی و اخروی بنده است:

فَأَجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِي هَذَا نَازِلًا عَلَيَّ بِضِيَاءِ الْهُدَى، وَ بِالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا، وَ مَسَائِي جُنَّةً مِنَ كَيْدِ الْعَدَى، وَ وَقَايَةً مِنَ مُرْدِيَاتِ الْهَوَى.

بعد از بیان تعهدات عبد، در این بند از دعا و خواست دیگری مطرح می‌شود که شامل دو موضوع کلی است: بخشیدن نور هدایت و سلامت دین و دنیا در صبح، و دادن جنة و سپر در برابر کید دشمنان و مهلکات هوای نفس (وساوس شیطانی) در شب است. فعل اجعل بر اللهم مقدم شده تا تأکید بیشتری بر معنای قرار دادن باشد. تکرار معنای جنة با لفظ دیگر (وقایة) نیز، خود حاکی از تأکید بر معنای محافظت در شب است؛ زیرا هنگام آramش شبانه، انسان‌های شرور و شیاطین، جنبش و حرکت بیشتری دارند؛ درخواست صبحی همراه با نور هدایت و سلامت در دین و دنیا و شبی همراه با سپری در برابر کید دشمنان انسانی و شیطانی. در این بند نیز تقابل‌ها و تقارب‌هایی وجود دارد. تقابل بین صباح و مساء و دین و دنیا، و تقارب بین ضیاء الهدی و سلامة در دین و دنیا و بین جنة و وقایة، و بین کید العدی و مردیات الهوی. و تقابل و تناسب موجود در این بند نیز، همراه با هماهنگی در حروف و کلمات، به شیوایی سخن و تقویت معنایی هرچه بیشتر آن کمک نموده است.

۲-۱۴. تبیین قدرت الهی

در این بند علت مدعو بودن و خواندن حق تبیین می‌شود:

الف. اِنَّكَ قَادِرٌ عَلَىٰ مَا تَشَاءُ تُؤْتِي الْمَلِكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ
بِيَدِكَ الْخَيْرُ اِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

به دنبال آخرین طلب عبد در مقطع پیش، در این بند از دعا، علت مورد دعا قرار گرفتن حق در سه مقطع بیان قدرت و یک مقطع تسبیح و تنزیه، تقریر می‌گردد که تبیین قدرت الهی است. این قدرت، با دادن ملک و عزت و ذلت، و این‌که خیر تنها از جانب اوست، تقریر شده است. این بند در ابتدا، با دو تأکید اِنَّ و جمله اسمیه بر قدرت الهی اشاره و تأکید نموده است. معنای دادن ملک و عزت و ذلت، با فعل مضارع آمده تا دوام و استمرار را نمایان سازد. تقابل دو فعل تعز و تذلل و ترکیب من تشاء (هر که را بخواهی) بر معنای عزت و ذلت، تأکید و تقویتی دیگر است. این بند با تأکید بر تنها به دست او بودن خیر خاتمه یافته و با جمله انک علی ... بر معنای قدرت آمده در ابتدای مقطع تأکید دیگری نموده است. قدرت الهی، با آمدن دو لفظ قادر و قدیر در ابتدا و انتهای مقطع تقویت شده و با هماهنگی موسیقایی بین صامت‌ها و مصوت‌های بلند و کوتاه بر فصاحت کلام و اثرگذاری هرچه بیشتر آن افزوده است.

ب. تَوَلَّجَ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتَوَلَّجَ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، وَتَخْرُجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ، وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ

مِنَ الْحَيِّ، وَ تَرزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ.

این مقطع نیز ادامه بیان قدرت الهی است که با تقابل بین لیل و نهار و حی و میت، و بین ایلاج (دخول چیزی در دیگری با قید پوشاندن آن) و اخراج، دخول تدریجی لیل در نهار و نهار در لیل و خارج نمودن حی از میت و میت از حی را تبیین نموده است. تقابل و تناسب در حروف و کلمات نیز بر شیوایی سخن و تقویت معنایی ادخال و اخراج افزوده است. و پایان این بند، بیان رازق بودن الهی است که با فعل مضارع و قید بغیر حساب آمده تا استمرار رزاقی و بی حسابی آن را نمایان سازد.

ج. لا اله الا انت سبحانك اللهم و بحمدك. من ذا يعرف قدرك فلا يخافك! و من ذا يعلم ما انت فلا يهابك!

این بند تنزیه و تحمید حق تعالی است که در میان بیان قدرت الهی آمده و با اسلوب استفهام انکاری و تکرار معنای منظور (تنزیه و تحمید) تقویت شده است؛ این که چه کسی است که وی را بشناسد، و خوف و هیبت رب، او را فرا نگیرد. در آیه ای از قرآن کریم نیز به قدرت الهی اشاره شده و این که خدا را چنان که باید نشناختند در حالی که زمین در روز قیامت در قبضه قدرت اوست و آسمان ها هم در هم پیچیده به دست قدرت اوست:

﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾^۱

معانی متناسب و متقارب سبحانک و بحمدک، يعرف و يعلم، ولا يخافك ولا يهابك، بر این تنزیه تأکید نموده و با انسجام در موسیقی حروف و کلمات و مصوت ها بر معنی آن افزوده است.

د. أَلْفَتْ بِقَدْرَتِكَ الْفِرْقَ، وَ فَلَقتَ بِلُطْفِكَ الْفَلَقَ، وَأَنْتَ بِكَرَمِكَ دِيَاجِي الْغَسَقِ.

این مقطع بیان دو قدرت الهی است که با کلمات متقابل و متناسب تقویت و تأکید شده است. جمع کردن موارد جدا از هم و شکافتن سپیده دم - که از مظاهر قدرت حق است - و با تقابل بین الفت و فلق (پیوند دادن و شکافتن) تبیین شده و با دو مفعول فریق و فلق (جداها، سپیده دم) بر معنای آن تأکید شده است. بند سوم (أنت) تکمله مفهوم ما قبل، یعنی شکافتن فلق است. و تناسب بین لطفک و کرمک، و فلق و أنت (روشن

۱. سوره زمر، آیه ۶۷.

نمودن)، و بین فلق و دیاجی الغسق، بر شکافتن فلق و روشن نمودن تاریکی های شب (به واسطه ماه) تأکیدی دیگر است.

ه. وَانْهَرَتْ الْمِيَاهَ مِنَ الصُّمِّ الصِّيَاخِيدِ عَذْبًا وَاجَاغًا، وَانْزَلَتْ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَاغًا، وَجَعَلَتْ الشَّمْسُ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِيَّةِ سِرَاجًا وَهَاجًا مِنْ غَيْرِ أَنْ تُمَارَسَ فِيمَا ابْتَدَأَتْ بِهِ لُغُوبًا وَلَا عِلَاجًا.

این بند نیز ادامه بیان قدرت الهی است که با تناسب و تقابل و هماهنگی موسیقایی و تألیف در حروف و کلمات و مصوت های کوتاه و بلند تقریر شده است. قدرت جاری نمودن آب گوارا و ناگوار از سنگ خارا، و فرورستاندن باران فراوان از ابرمتراکم، و قرار دادن خورشید و ماه به عنوان چراغ فروزان برای خلق، با بهترین کلمات متناسب و متقارب بیان شده است. با تناسب بین انهرت و انزلت، و بین الصم الصیخید و المعصرات، و تناسب بین الشمس والقمر، و بین ماء ثجاجاً و سراجاً و هجاجاً، و تقابل بین عذباً و اجاجاً، بر معانی جاری ساختن و فرورستاندن و قرار دادن تأکید شده است. مسک الختام این بند تأکیدی است بر عدم خستگی و مقدمه سازی حق برای اعمال خود که با دو کلمه متناسب لغوب و علاج بیان گردیده است. هماهنگی بین حروف و کلمات بر شیوایی و تقویت هرچه بیشتر کلام افزوده است.

۲-۱۵. خواست پایانی عبد

این بند، خواست پایانی دعاست:

فَيَأْمَنُ تَوَخُّدًا بِالْعَزِّ وَالْبَقَاءِ وَقَهْرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ. صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاِتْقِيَاءِ وَاسْمَعْ نِدَائِي وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَرَجَائِي.

خواست پایانی بنده، با درود بر محمد و آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و تسبیح الهی همراه شده است. بخش نخست آن، بر تفرّد ربّ در عزّت و بقا و قهاری وی در موت و فنا تأکید نموده و با تناسب و تقابل بین توخّد و قهر، عز و بقا، و موت و فنا، معنای آن تقویت شده است. بخش دوم دعا خواست عبد است که با کلمات مترادف اسمع و استجب و حقق، و ندا و دعا، و امل و رجا، بر اجابت و تحقق امید و آرزوی او تأکید شده است. در این بند نیز هماهنگی بین کلمات و صامت ها و مصوت ها، موجب تقویت معنایی هر چه بیشتر بند شده است. بعد از درود و صلوات بر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آل طاهرین او، بند پایانی دعا، تسبیح و تقدیس مجدد حق تعالی است که با ندای «ای بهترین مدعو» آغاز شده است.

يَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ الضَّرِّ وَالْمَأْمُولِ لِكُلِّ عُسْرٍ وَيُسْرِبَكَ أَنْزَلْتُ حَاجَتِي فَلَا تَرُدَّنِي مِنْ

سَتِي مَوَاهِبِكَ خَائِبًا يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

تناسب بین دو جمله «من دعی لکشف الضر» و «المأمول لكل عسر»، و تقابل بین عسرو یسر، مطلوب و محبوب بودن حق را تأکید نموده و با بند «فلا تردنی» (پس مرا از درگاہت ناامید رد مکن) معنا تقویت شده است. و با تکرار اجل اسمای الهی (کریم) و قسم به رحمت وی و بیان وصف او به ارحم الراحمینی و درود بر محمد ﷺ و آل به بهترین وجه ممکن معنای رد نکردن تأکید شده است. بند پایانی دعا نیز مانند مقاطع پیشین، با تناسب و تقارب در حروف و کلمات و هماهنگی موسیقایی در استفاده از مصوت‌های کوتاه و بلند در تقویت معنایی دعا و تأثیرگذاری هر چه بیشتر آن مؤثر بوده است.

نتیجه

از مطالب یاد شده، نتایجی به دست می‌آید.

دعای صباح، تعلیم مناجات و بندگی است و معانی والای آن در قالب کلامی بلیغ و رسا و مزین به آرایه‌های لفظی و معنوی، عالی‌ترین خواست بنده را در آغاز روز بیان می‌دارد. تناسب در این دعا وحدت‌ساز است و نظم و ترتیب ایجاد می‌کند. تقابل بین حروف و کلمات و موسیقی آن و تقارب بین مصوت‌های کوتاه و بلند، همه و همه در خدمت معنای سخن و تأثیرگذاری هر چه بیشتر آن است. آغاز دعا با اسم الله است که مستجمع تمامی اسماء و صفات الهی است و پایان آن نیز با اسم کریم است که در معنای آن آمده، آن که بدون درخواست می‌بخشد و درخواست اجابت عبد با تکرار اسم کریم و سوگند به رحمانیت و وصف ارحم الراحمینی، به بهترین وجه تبیین شده است.

این دعا مضامین متعددی را در قالب مناجات با پروردگار بیان می‌سازد که از جمله آن، تنزیه و تسبیح الهی، نفس و مرکب سرکش آن، چنگ زدن به دامن حق، پذیرش حق و علل آن و عمل بنده برای رسیدن به قبول حق است.

دعا با حمد و ثنای الهی آغاز می‌شود که از رموز استجابت دعاست و در فواصل دعا نیز به تسبیح و تقدیس حق می‌پردازد.

بعد از حمد و ثنا، درود بر پیامبر ﷺ و آل طاهرین او ﷺ آمده است که آغاز و انجام دعا، بیان می‌شود. و آن نیز از رموز استجابت دعاست. به دنبال درود بر پیامبر ﷺ و آل او ﷺ

خواست و حاجت دعاکننده بیان می‌شود که از جمله آن عفو و بخشش الهی است. بنده برای رسیدن به عفو الهی باید برای طلب خود گام بردارد؛ یعنی برای رسیدن به رحمت الهی از گناهان دور شود و به خداوند پناهنده گردد. و خداوند پناهنده به خود را ناامید نمی‌کند. درخواست عبد داعی و رب مدعو متناسب است؛ زیرا علت پذیرش رب سه خصلت است: مغفرت بسیار، مقصود بودن او و گشایش درگاه وی. و قبول نمودن عبد نیز از جانب پروردگار به جهت سه چیز است: بستن مهار نفس، افکندن بار گناه و فروگذاری هواهای نفسانی.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، قم: انتشارات آیین دانش، ۱۳۹۰ ش.
- اضواء علی دعاء الصباح، عزالدین بحر العلوم، بیروت: دار الزهراء للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۹۹۱ م.
- الاقبال بالاعمال الحسنة، علی بن موسی ابن طاووس، محقق / مصحح: جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
- بحار الانوار، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- دائرة المعارف قرآن کریم: تفسیر - تناسب آیات و سوره، (جلد ۸)، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۲ ش.
- جواهر البلاغه، احمد الهاشمی، قم: مؤسسه مطبوعات دینی، ۱۳۶۸ ش.
- فرهنگ کوچک فارسی - انگلیسی، سلیمان حیم، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱ ش.
- فرهنگ کوچک انگلیسی - فارسی، سلیمان حیم، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۲ ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- مختصر المعانی، سعد الدین تفتازانی، قم: مؤسسه دارالفکر، ۱۴۱۱ ق.
- مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، محمد بن حسن طوسی، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ ق.
- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، قم: انتشارات الهادی، ۱۳۸۴ ش.
- منجد الطلاب، ترجمه: محمد بندرریگی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
- نهج البلاغه، علینقی فیض الاسلام، تهران: موسسه انتشارات فقیه، ۱۳۷۸ ش.
- «بررسی آرایه‌های بلاغی در دعای صباح»، اسحاق طغیانی، دو فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۸۷ ش، شماره دهم.